

## عوامل بازدارنده توسعه کسب و کارهای خرد در مناطق روستایی (مورد مطالعه: دهستان گویجه بئل بخش مرکزی شهرستان اهر)

طاهره ملکی<sup>۱\*</sup>، پرویز گلپور<sup>۱</sup> و شاپور ظریفیان<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۲۸ فروردین ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش: ۲۵ شهریور ۱۳۹۶

### چکیده

کسب و کارهای کوچک روستایی یکی از بهترین مصداق‌های کارآفرینی روستایی هستند که به واسطه ایجاد کار و اشتغال، تولید سرمایه و کمک به توزیع عادلانه‌تر درآمدها مورد توجه بسیاری از صاحب‌نظران توسعه روستایی واقع شده اند. اما متأسفانه شواهد حاکی از آن است که توسعه کسب و کارهای خرد روستایی در ایران با چالش و موانع بسیاری روبه‌رو شده است. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف تبیین عوامل بازدارنده توسعه کسب و کارهای خرد در مناطق روستایی صورت گرفت. نمونه آماری پژوهش را ۱۳۰ نفر از سرپرستان خانوار روستایی دهستان گویجه بئل بخش مرکزی اهر با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای انتساب متناسب تشکیل دادند. ابزار اندازه‌گیری داده‌ها، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته بود که روایی آن توسط اساتید گروه ترویج و توسعه روستایی دانشگاه تبریز تأیید شد. یافته‌های حاصل از به‌کارگیری تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد، چهار عامل ضعف ساختارهای اجتماعی و فرهنگی مؤثر در بروز کارآفرینی روستایی، موانع فنی-حمایتی، موانع تولیدی-بازاررسانی جهت فروش محصولات و موانع قانونی-نهادی مهم‌ترین عوامل بازدارنده توسعه کسب و کارهای خرد در مناطق روستایی بوده و در مجموع ۵۹/۴ درصد واریانس کل موانع توسعه کسب و کار خرد را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش به دست‌اندرکاران امر کمک می‌کند تا جهت مرتفع‌نمودن این موانع اهتمام ورزیده و گام‌های مثبتی در جهت رونق کسب و کارهای خرد روستایی که در سال-های اخیر بسیار موردتوجه و تأکید قرار گرفته، بردارند.

**کلمات کلیدی:** اشتغال روستاییان، کارآفرینی روستایی، کسب و کار خرد.

۱- دانشجوی دکتری توسعه کشاورزی دانشگاه تبریز

۲- دانشیار گروه ترویج و توسعه روستایی دانشگاه تبریز

\*- نویسنده مسئول: Tahere.maleki@yahoo.com

## مقدمه

شناخت دقیق مسائل مربوط به روستاها، از اهمیت بسیاری برخوردار است. زیرا، ریشه تمامی مشکلات و مسائل عقب‌ماندگی مثل فقر گسترده، نابرابری در حال رشد، رشد سریع جمعیت و بیکاری فزاینده در مناطق روستایی قرار دارد (تودارو، ۱۳۸۲). هم‌چنین، روستاها در فرآیند توسعه ملی نقش‌های متفاوتی به‌ویژه در تأمین مواد غذایی برعهده دارند. بنابراین، توجه به مسائل آن‌ها در فرآیند رشد و توسعه، اهمیت و ضرورت زیادی دارد. یکی از اساسی‌ترین موانعی که در روند دستیابی به توسعه در روستاهای کشور ملاحظه می‌شود، فقر و محرومیت است. در واقع، این نواحی، به دلیل شرایط خاص اکولوژیکی و اقتصادی-اجتماعی، با مسائل و مشکلات متعدد و متنوعی مواجه‌اند که فقر و محرومیت از مهم‌ترین آن‌ها محسوب می‌شود (رضوانی و نجارزاده، ۱۳۸۷) و مادامی که زندگی خانوار روستایی با چالش فقر در پی نبود حداقل استانداردها برای زندگی مواجه می‌شود، موجب تحت‌الشعاع قرارگرفتن تمام ابعاد زندگی آنان می‌شود (نوروزی و حیاتی، ۱۳۹۴). در این میان، به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، کارآفرینی یکی از فعالیت‌هایی است که می‌تواند برطرف‌کننده بسیاری از چالش‌های عمده (هم‌چون بیکاری، درآمد پایین، فقدان تنوع اقتصادی و جز آن) در مناطق روستایی باشد و در سایر جنبه‌های زندگی روستاییان نیز تأثیر مثبت بگذارد (سبکبار و همکاران، ۱۳۹۰). مطالعات بسیاری نیز، توجه جدی به مقوله کارآفرینی را جهت افزایش فرصت‌های شغلی، گسترش رقابت سالم، رشد اقتصادی، افزایش بهره‌وری و افزایش سطح رفاه اجتماعی-اقتصادی ضروری دانسته‌اند (رحمانیان کوشکی و همکاران، ۱۳۹۳ به نقل از اوستریبیک و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰؛ اونستک<sup>۲</sup>، ۲۰۰۳؛ عزیززی و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۰؛ بارانچی، ۲۰۰۷؛ صالح<sup>۴</sup>، ۲۰۱۱؛ اوستریبیک و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۱۱؛ نوده<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹). در این میان، یکی از راه‌های کارآفرینی و اشتغال-زایی در مناطق روستایی ایجاد کسب‌وکارهای کوچک و زودبازده می‌باشد. مشاغل کوچک روستایی توانسته‌اند زمینه اشتغال و ماندگاری در جامعه روستایی را در فعالیت‌های کشاورزی و غیرکشاورزی فراهم ساخته و نوعی امید و شادابی را به جامعه هدف ارزانی دارند. این مسئله با استقبال متخصصان توسعه روستایی نیز روبه‌رو شده است. به‌گونه‌ای که برخی متخصصان، توسعه کسب‌وکار خرد و مشاغل خانگی در محیط روستایی را مهم‌ترین راه‌کار توسعه روستایی در کشورهای جهان سوم نیز می‌دانند (گیبسون و الیویا<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶). در نقاط مختلف دنیا، بنگاه‌های کوچک و متوسط دارای تعاریف متعددی بوده و اغلب با دو معیار اساسی تعداد پرسنل و میزان گردش مالی سالانه استوار هستند (علی میرزایی و همکاران، ۱۳۹۰). در بسیاری از کشورها، کسب و کار و بنگاه‌های خرد اقتصادی، به‌عنوان شاهرگ حیاتی اقتصاد کشورها به‌شمار می‌روند که از جمله آن‌ها می‌توان به اقتصاد ۳۰ کشور عضو سازمان همکاری‌های اقتصاد و توسعه اشاره کرد (سازمان همکاری توسعه اقتصادی<sup>۸</sup>، ۲۰۰۵). صاحب‌نظران حوزه توسعه روستایی نیز نشان داده‌اند که

1- Oosterbeek et al

2- Onstenk

3- Azizi et al

4- Salleh

5- Oosterbeek et al

6- Naude

7- Gibosen and Olivia

8- Organisation for Economic Co-operation and Development(OECD)

سهام اجتماعی و اقتصادی کارآفرینان شرکت‌ها و کسب‌وکارهای کوچک و زودبازده در اشتغال‌زایی بالا بود و این مسئله در مورد نوآوری و احیای اقتصادی نیز صدق می‌کند. در حالی که کسب‌وکارهای بزرگ در مقایسه با آن‌ها سهم کمتری داشته‌اند (کریمسن و همکاران، ۲۰۰۳؛ علی‌میری، ۱۳۸۷)

در این میان، عوامل بسیاری بر توسعه کارآفرینی از طریق این بنگاه‌های زودبازده در جوامع روستایی مؤثرند که برخی از آن‌ها عبارتند از: مهارت‌های مدیریتی، پیاده‌سازی مدیریت دانش، فضای کسب‌وکار، آموزش‌های خودگردان و سیاست‌های دولت (ایزدی، ۱۳۹۲) که لزوم توجه‌نمودن به آن‌ها جهت رونق توسعه همه جانبه روستایی که در نهایت رونق کشور را در ابعاد مختلف به دنبال خواهد داشت، احساس می‌شود. به عبارتی، برطرف کردن موانع پیش‌روی گسترش کسب‌وکار خرد در جوامع روستایی و تقویت عوامل پیش‌برنده سبب تسریع فرآیند توسعه کشور خواهد شد که این امر لزوم توجه پژوهشگران را به انجام چنین پژوهش‌هایی ایجاب می‌نماید. چراکه، مشخص شدن موانع ایجاد و توسعه این کسب‌وکارها در هریک از مناطق کشور به سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه روستایی اجازه خواهد داد که تمام اهتمام خود را جهت از بین بردن این دسته از عوامل بردارند و گام مثبتی در جهت رونق کسب‌وکارهای خرد روستایی که در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه و تأکید قرار گرفته، بردارند. لذا با توجه به ضرورت موجود، تحقیق حاضر در راستای تبیین عوامل بازدارنده توسعه کسب‌وکارهای خرد در مناطق روستایی دهستان گویجه‌بل بخش مرکزی شهرستان اهر صورت‌گرفت.

جهت دستیابی به هدف اصلی پژوهش، سؤالات زیر در این پژوهش مطرح شده‌اند:

✓ موانع توسعه کسب‌وکارهای کوچک در مناطق روستایی شهرستان اهر در استان آذربایجان شرقی کدام‌اند؟

✓ میان تمایل به ایجاد کسب‌وکارهای خرد روستایی و متغیرهای مستقل پژوهش چه ارتباطی وجود دارد؟

در ادامه پژوهش، به نتایج تعدادی از تحقیقات مرتبط با موضوع پژوهش پرداخته می‌شود:

ایزدی (۱۳۹۲)، موانع موجود بر سر راه توسعه کارآفرینی و ایجاد مشاغل کوچک در مناطق روستایی را به چهار دسته موانع مالی، موانع بازار، موانع اطلاعاتی و موانع قانونی تقسیم‌بندی می‌کند. علی‌میرزایی و همکاران (۱۳۹۰) نیز، در پژوهشی بازدارنده‌های توسعه کسب‌وکارهای کوچک و کارآفرینی را چهار عامل زیرساختی، بازاریابی، مدیریتی و سیاست‌گذاری دسته‌بندی نمودند. در پژوهش دیگری موانع موجود جهت توسعه کارآفرینی و کسب‌وکار روستایی را در قالب سه عامل دسته‌بندی شد که عبارت‌اند از: موانع فردی (سرمایه فیزیکی، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی)، موانع سازمانی (دهیاری‌ها، سازمان‌های حمایت‌کننده مالی، آموزشی، کارآفرینی روستایی)، موانع محیطی (محیط اقتصادی، محیط اجتماعی و فرهنگی، محیط اداری و قانونی، محیط جغرافیایی) (کیاکجوری و همکاران، ۱۳۹۱).

کمبود دانش اقتصادی، ضعف تجارب مدیریتی، ناتوانی در اثرگذاری بر تغییرات محیطی و آسیب‌پذیری بالا از مشکلات کسب‌وکارها و بنگاه‌های کوچک و متوسط در بسیاری از مناطق هستند که در پژوهش رجبی‌پور میبیدی (۱۳۸۹) نیز به این عوامل تأکید شده است. به طوری که وی اعتقاد دارد، دانش، به‌ویژه یادگیری و تلاش برای یافتن

دانش جدید، عنصر مهم در ایجاد کسب‌وکارهای کارآفرینانه می‌باشد. این درحالی است که غلامی‌روچی و همکاران (۱۳۸۴) گزارش کرده‌اند، میزان تحصیلات با افزایش بهره‌وری در صنایع کوچک روستایی رابطه منفی دارد. به عبارتی یکی از موانع توسعه و افزایش بهره‌وری در صنایع خرد روستایی را سطح تحصیلات دانسته‌اند. یکی دیگر از چالش‌های اصلی ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای کوچک شامل کمبود نقدینگی و وجود رقابت از جانب رقبای بزرگتر و قوی‌تر بوده و مشکلات متداول آن‌ها شامل کمبود سرمایه، توانایی ناکافی اجرای امور و کنترل‌های ضعیف می‌باشند (نامجویان شیرازی، ۱۳۹۳).

اسمالبون<sup>۱</sup> (۲۰۰۷)، مشکلات عمده پیش‌روی بنگاه‌های کوچک و متوسط کارآفرین روستایی را در هفت عامل کوچکی بازار محلی، محدودیت در انتخاب نیروی کار، دسترسی نامناسب به مقدمه‌های تجارت، ضعف در زیرساخت‌های ارتباطی و حمل‌ونقل، نبود دسترسی مناسب به منابع مالی و محیط نهادی نامناسب دسته‌بندی کرده است. امین آقایی (۱۳۸۸) نیز کمبود سرمایه، سطح سواد پایین روستاییان و ضعف مدیریتی را مهم‌ترین موانع ایجاد و رشد بنگاه‌های کوچک و متوسط ارزیابی کرده است. پژوهش دیگری در زمینه ایجاد کسب‌وکار خرد روستایی انجام شده است که نتایج آن نشانگر آن است که فقدان مهارت کافی جهت ایجاد و حفظ کسب‌وکارهای کوچک، عدم وجود سرمایه به منظور تهیه نهاده‌های اولیه و مورد نیاز، عدم وجود حمایت کافی از سوی مسئولان امر، عدم ریسک‌پذیری افراد و عدم وجود اطمینان از شرایط مناسب جهت فروش تولیدات به عنوان موانع ایجاد و توسعه این کسب و کارها است (مورگان آتم و ناتاراجان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۵).

در پژوهش دکنیز و فریل<sup>۳</sup> (۱۹۹۸)، عوامل حیاتی در ارتقای شایستگی و توانایی‌های کارآفرینان در کسب‌وکارهای کوچک که در برداشتن موانع مؤثرند، عبارتند از: توانایی شبکه‌سازی در مراحل اولیه، توانایی اشاعه تجارت و فرصت‌ها، توانایی انعکاس راهبردهای گذشته، توانایی تشخیص اشتباهات، توانایی دسترسی به منابع، توانایی جذب افراد دیگر به عنوان بخشی از تیم کارآفرینانه.

مجمع جهانی صنایع کوچک و متوسط در هندوستان، اهم مشکلات صنایع کوچک در کشورهای توسعه‌یافته و درحال توسعه را بدین شرح بیان نموده است: موانع فرهنگی و عدم شناخت اهمیت صنایع کوچک، دید محدود و غلط افراد دولتی و سیاست‌گذاران، ضعف مدیریت‌ها و ناتوانی کارآفرینان در انجام رقابت‌های سالم فراگیر، کمبود نیروی انسانی مهارت‌دیده در صنایع کوچک، فرسودگی و ناکارآمد بودن فناوری‌های موجود در کشورها، نامتناسب بودن سازمان‌های موجود با اهداف توسعه، کمبود سرمایه و توان مالی، ناتوانی حضور مستمر در بازارهای جهانی، عدم اجرای قوانین در کشورها، فقدان انجمن‌ها و تشکل‌های صنعتی فعال و کارآمد در کشورها (مولایی، ۱۳۸۲) که برخی از این موانع در پژوهش گیلبرت و همکاران (۲۰۱۴) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. براساس نتایج پژوهش آنان، موانع فراوانی در راستای ایجاد کسب‌وکارهای کوچک در جوانان روستایی نیجریه وجود دارد که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: فقدان

1 - Smallbone

2- Muruganantham and Natarajan

3- Deakins and Freel

سرمایه، فقدان مهارت و حمایت، عدم وجود فرصت‌های مناسب جهت بازاریابی محصولات و تولیدات. در این پژوهش پیشنهاد شده است که جهت مبارزه به این مشکلات باید جوانان را به سمت کسب مهارت‌های کارآفرینانه سوق داد. برخی دیگر از عوامل بازدارنده گسترش و توسعه بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط عبارت‌اند از: فقدان دسترسی به فناوری، محدودیت دسترسی به بازارهای جهانی، ماهیت قوانین حاکم بر فعالیت‌های بنگاه‌های اقتصادی و عدم ارائه آموزش‌های لازم در این زمینه است و آن‌چه بیش از همه مهم و مؤثر جلوه می‌کند، فقدان سرمایه و منابع مالی کافی برای ایجاد بنگاه‌های اقتصادی و تداوم فعالیت آن‌ها است (آربونا و تولدونا، ۲۰۱۰).

بررسی نتایج مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهد که راه‌اندازی و یا توسعه کسب‌وکارهای کوچک در روستاها با موانع و مشکلات فراوانی روبه‌رو است که برخی از آن‌ها مانند عدم وجود نقدینگی و سرمایه کافی برای شروع کسب‌وکار، عدم وجود بازار مناسب برای فروش محصولات، اقتصادی بوده و برخی نیز در دسته عوامل اجتماعی-فرهنگی قرار می‌گیرند که عبارت‌اند از: عدم برخورداری از دانش کافی و مناسب جهت شروع کسب‌وکار، ناتوانی اشاعه تجارب و فرصت‌ها، توانایی تشخیص اشتباهات، ضعف سرمایه اجتماعی و توانایی جذب افراد دیگر به‌عنوان بخشی از تیم کارآفرینانه. ضعف تجارب مدیریتی، فقدان توانایی سازگاری تغییرات محیطی. برخی نیز مانند فقدان وجود آموزش‌های مناسب برای شروع کسب‌وکار و عدم وجود حمایت کافی از سوی مسئولان امر در دسته موانع حمایتی قرار می‌گیرند. شناسایی این عوامل که ممکن است در جوامع محلی مختلف متفاوت باشد، به برنامه‌ریزان امر کمک می‌کند تا با در نظر گرفتن آن‌ها راهکارهای متفاوتی را برای ایجاد و توسعه کسب‌وکارهای خرد در مناطق روستایی ارائه دهند.

## مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر، از نظر هدف، تحقیقی کاربردی و از حیث رابطه بین متغیرها، جزو تحقیقات توصیفی-همبستگی به‌شمار می‌آید که به روش پیمایشی اجرا شده‌است. جامعه آماری مورد مطالعه در این تحقیق را سرپرستان خانوار روستایی دهستان گویجه‌بئل بخش مرکزی شهرستان اهر استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۹۵ تشکیل دادند (N=1292) که با استفاده از جدول کرجسی و مورگان (۱۹۷۰) و از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای انتساب‌متناسب انتخاب و مورد مطالعه قرار گرفتند. بدین صورت که از بین دهستان‌های بخش مرکزی شهرستان اهر، دهستان گویجه‌بئل انتخاب و از میان روستاهای این دهستان ۱۴ روستا به‌صورت تصادفی انتخاب و با در دست داشتن جمعیت روستاها، نمونه‌ها به‌صورت انتساب‌متناسب در میان آن‌ها توزیع شدند. ابزار اصلی مورد استفاده در این پژوهش، پرسشنامه‌ای محقق‌ساخته و متشکل از ۲۷ گویه بود که گویه‌های آن با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی سایت‌ها و مرور مطالعات مرتبط ساخته شد. پس از انجام اصلاحات و بهره‌مندی از نظر متخصصان جهاد کشاورزی و اساتید دانشگاه تبریز، در نهایت، روایی پرسشنامه توسط اساتید گروه ترویج و توسعه روستایی دانشگاه تبریز تأیید شد. به‌منظور برآورد پایایی پرسشنامه نیز، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه و مقدار آن ۰/۸۹ به‌دست آمد که این موضوع نیز، نشانگر پایایی

مناسب ابزار تحقیق بود. در نهایت، پرسشنامه تأییدشده در اختیار سرپرستان خانوار روستایی قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی در نرم افزار SPSS انجام شد. جهت انجام تحلیل عاملی اکتشافی و به منظور داوری در مورد بهترین تعداد عامل‌ها، از سه شاخص واریانس تبیین شده توسط عامل‌ها، اندازه مقدار ویژه و نمودار اسکری<sup>۱</sup> استفاده شد. نمودار اسکری، نموداری است که به طور پیش فرض مشخص می‌کند چه تعداد عامل مهم وجود دارد که می‌توانند بیشترین واریانس عامل‌ها را تبیین کنند (هینتون و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۴). در بخش دوم پژوهش، محقق توسط پنج سؤال که دارای طیف لیکرت بودند، تمایل روستاییان را به ایجاد کسب‌وکارهای خرد روستایی سنجید و براین اساس، شاخص تمایل به ایجاد کسب‌وکار خرد روستایی را ایجاد نمود. در ادامه، جهت سنجش رابطه متغیرهای توصیفی پژوهش از قبیل سن، میزان تحصیلات، تعداد افراد خانوار و میزان شرکت در کلاس‌های ترویجی و شاخص تمایل به ایجاد کسب‌وکار خرد روستایی از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده نمود.

شهرستان اهر مرکز منطقه ارسباران در شمال استان آذربایجان شرقی با مساحتی بالغ بر ۲۰۹۳ کیلومتر مربع، ۶۳/۴ درصد از مساحت استان را تشکیل می‌دهد که از این نظر مقام پنجم استان را به خود اختصاص داده است. این شهرستان دارای یک بخش مرکزی، ۶ دهستان و ۲۳۴ روستا است. ۳۵ درصد جمعیت شهرستان اهر را جمعیت روستایی تشکیل داده که تولید صنایع دستی و فرآورده‌های کشاورزی از مهم‌ترین فعالیت‌های اقتصادی روستائیان است. قالی‌بافی، تهیه عرقیات گیاهی، تهیه رشته پلویی، پرورش ماکیان محلی و تهیه فرآورده‌های لبنی از مهم‌ترین کسب‌وکارهایی است که به‌ویژه زنان روستایی شهرستان اهر در آن فعالیت می‌کنند. با استخدام تعداد ۱۴ نفر کارشناس کشاورزی از سال ۱۳۹۳ در مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان اهر که حدود ۶۵ درصد از آنان شامل مروجین زن می‌باشند پتانسیل خاصی در زمینه توسعه کسب و کارهای خرد روستایی آغاز گردیده است. طرح پهنه‌بندی آبادی‌های شهرستان اهر نیز که از سال ۱۳۹۳ و هم‌زمان با سایر نقاط استان اجرایی شده‌است فرصتی بی‌نظیر در جهت توجه به پتانسیل‌های مناطق روستایی در ایجاد کسب‌وکار خرد فراهم نموده است. از این رو مطالعه حاضر در یکی از پهنه‌های شهرستان اهر در دهستان گویجه‌بئل بخش مرکزی شامل ۲۸ روستا و ۱۲۹۲ خانوار واقع در بخش مرکزی این شهرستان که در آن تأسیس بنگاه‌های زودبازده اقتصادی آغاز شده‌است، صورت‌گرفت (جهاد کشاورزی شهرستان اهر، ۱۳۹۶).

## نتایج و بحث

نتایج حاصل از بررسی یافته‌های توصیفی، در جدول ۱ آورده شده است.

1 - Scree plot  
2-Hinton et al

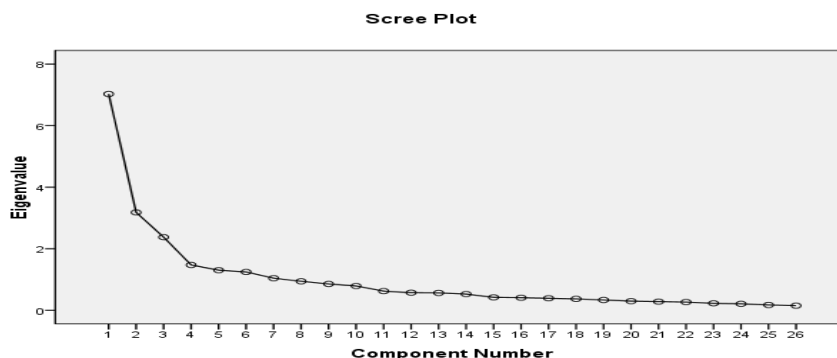
**جدول ۱- ویژگی‌های فردی جامعه مورد مطالعه**

ویژگی‌های فردی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
گروه سنی	کمتر از ۲۵ سال	۳۱	۲۳/۸
	۲۵-۳۵ سال	۴۳	۵۶/۹
	بیشتر از ۳۵ سال	۵۶	۱۰۰
	جمع کل	۱۳۰	۱۰۰
جنسیت	مرد	۱۰۱	۷۷/۷
	زن	۲۹	۲۲/۳
	جمع کل	۱۳۰	۱۰۰
وضعیت تأهل	مجرد	۳۴	۲۶/۲
	متاهل	۹۶	۷۳/۸
	جمع کل	۱۳۰	۱۰۰
مقطع تحصیلی	بیسواد	۱۲	۹/۲
	ابتدایی	۳۰	۲۳/۱
	راهنمایی	۳۱	۲۳/۸
	دیپلم	۲۵	۱۹/۲
	بالاتر از دیپلم	۳۲	۲۴/۶
جمع کل	۱۳۰	۱۰۰	
جمعیت خانوار روستایی	کمتر از ۳ نفر	۳۰	۲۳/۱
	۳-۵ نفر	۷۲	۵۵/۴
	بیشتر از ۵ نفر	۲۸	۲۱/۵
	جمع کل	۱۳۰	۱۰۰

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵)

در ادامه پژوهش، جهت کاهش تعداد متغیرهای تحقیق به عامل‌ها و تعیین سهم هریک از عامل‌ها در تبیین عوامل بازدارنده توسعه کسب و کارهای خرد در مناطق روستایی از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد.

جهت انجام تحلیل عاملی اکتشافی و به منظور داوری در مورد بهترین تعداد عامل‌ها، از سه شاخص واریانس تبیین شده توسط عامل‌ها، اندازه مقدار ویژه و نمودار اسکری<sup>۱</sup> استفاده شد. با رسم نمودار اسکری برای متغیرهای این پژوهش، چهار عامل به عنوان عامل‌های مهم محاسبه شد که در شکل ۱ قابل ملاحظه است. عامل اول مقدار ویژه ۷/۰۲۸ درصد را به خود اختصاص داد و عوامل چهارگانه در مجموع ۵۹/۴ درصد واریانس کل تغییرات را نیز تبیین کردند (جدول ۳) که تمام سه شاخص فوق نشانگر مناسب بودن تعداد عامل‌ها بود. بنابراین در بخش تحلیل عاملی اکتشافی به نرم افزار دستور استخراج چهار عامل به عنوان موانع توسعه کسب و کار خرد روستایی داده شد.



شکل ۱- نمودار اسکری (نمایش مقادیر ویژه عامل‌ها)

به منظور بررسی کفایت حجم نمونه جهت تحلیل عاملی اکتشافی از آزمون بارتلت استفاده شد که مقدار ویژه آماره آن  $۱/۵۸۰$  به دست آمد و در سطح خطای  $۰/۰۱$  معنی دار بود؛ این امر نشانگر کفایت حجم نمونه برای تحلیل عاملی بود. از ضریب KMO نیز جهت بررسی همبستگی بین داده‌ها استفاده شد که مقدار آن برای مانع‌های گسترش کارآفرینی  $۰/۷۹۴$  به دست آمد. این بدان معنی است که همبستگی‌های موجود در بین داده‌ها برای تحلیل مناسب بود.

#### جدول ۲- آماره مورد استفاده برای معنی‌داری تحلیل عاملی

آزمون بارتلت	$۰/۷۹۴^*$
آزمون KMO	$۳E۱/۵۸۰$

معنادار در سطح یک درصد

به منظور پیشینه ساختن رابطه بین متغیرها و برخی عامل‌ها، عامل‌ها توسط روش چرخش واریماکس دوران داده شدند. روش واریماکس، ستون‌های ماتریس عاملی را ساده می‌سازد. در این روش، چون تعداد متغیرهایی که بارهای قوی در یک عامل دارند کمینه می‌گردد، تفسیر عامل‌ها نسبت به روش‌های دیگر ساده‌تر خواهد بود. به همین دلیل دارای عمومیت و کاربرد بیشتری است (کلاین، ۱۳۸۰). تعداد عامل‌های استخراج شده توسط روش تحلیل عاملی اکتشافی به همراه ویژگی‌های آن‌ها در جدول ۳ ارائه شده است.

#### جدول ۳- عامل‌های استخراج شده عوامل بازدارنده توسعه کسب و کارهای خرد در مناطق روستایی به همراه مقدار ویژه، درصد واریانس و درصد تجمعی واریانس آن‌ها

عامل‌ها	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار تبیین شده	درصد تجمعی واریانس
عدم وجود پیشران‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر در بروز کارآفرینی روستایی	$۷/۰۲۸$	$۲۷/۰۳۱$	$۱۶/۹۵$
موانع فنی - حمایتی	$۳/۱۷۸$	$۱۲/۲۲۵$	$۳۴/۹۲$
موانع تولیدی - بازاریابی جهت فروش محصولات	$۲/۳۷۴$	$۹/۱۳۱$	$۴۸/۴۴$
موانع قانونی - نهادی	$۱/۴۷۱$	$۵/۶۵۷$	$۵۹/۴$

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵)



جدول ۴- متغیرهای مربوط به عوامل بازدارنده توسعه کسب و کارهای خرد روستایی به همراه هریک از عامل‌ها و بار عاملی به دست آمده از ماتریس دوران یافته

نام عامل	متغیر	بار عاملی
	عدم وجود بستر فرهنگی برای ایجاد مشاغل کارآفرینانه در محیط روستا	۰/۶۳۶
	فقدان دانش مناسب در میان روستاییان	۰/۶۱۴
	عدم آگاهی از زمینه‌ها و پتانسیل‌های موجود در میان افراد و مناطق روستایی جهت ایجاد اشتغال	۰/۵۴۸
عدم وجود پیشران‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر در بروز کارآفرینی روستایی	عدم وجود فرهنگ ریسک‌پذیری و عدم اطمینان روستاییان از بازگشت سرمایه خود	۰/۵۳۷
	علاقه مردم روستا به اشتغال در محیط‌های شهری	۰/۵۳۳
	مهاجرت تدریجی و خالی از سکنه شدن محیط روستا	۰/۵۲۸
	عدم علاقه روستاییان به ایجاد شغل جدید	۰/۴۷۰
	عدم وجود انگیزه کافی در میان روستاییان جهت آشنایی با قوانین کسب و کار	۰/۴۶۵
	کم‌رنگ بودن فرهنگ کار جمعی و گروهی در میان خانوارهای روستایی	۰/۴۵۴
	فقدان آموزش‌های مهارتی جهت ایجاد مشاغل کوچک و زودبازده	۰/۷۷۲
	حمایت مقطعی از ایجاد مشاغل کارآفرینانه	۰/۶۸۹
	ضعف آموزش‌های ترویجی جهت آشنایی روستائیان با کارآفرینی و ایجاد کسب و کارهای کوچک و زودبازده	۰/۶۷۴
موانع فنی - حمایتی	نبود شبکه ارتباطی میان صاحبان مشاغل جهت تبادل نظر و استفاده از تجارب یکدیگر	۰/۶۴۳
	عدم وجود آموزش‌های شغلی مرتبط جهت افزایش مهارت پس از ایجاد کسب و کار	۰/۵۹۳
	کمبود سرمایه روستاییان جهت راه اندازی کسب و کار	۰/۵۸۳
	هزینه‌های اولیه بالا جهت تولید محصولات	۰/۶۷۸
	حضور دلالان در بازار فروش تولیدات	۰/۶۲۲
	عدم وجود بازار رسمی جهت فروش محصولات تولیدی	۰/۶۱
موانع تولیدی - بازاری رسانی	ضعف سیستم حمل و نقل در بازاری رسانی محصولات تولیدی	۰/۵۶۰
جهت فروش محصولات	فاصله زیاد میان مزرعه و بازار فروش تولیدات	۰/۴۹۷
	قیمت پایین محصولات و خدمات تولیدی در بازار فروش	۰/۴۶۶
	مراحل اداری سخت و فراوان جهت اخذ مجوز تأسیس این مشاغل	۰/۷۷۴
	تأخیر در پرداخت تسهیلات بانکی	۰/۶۷۶
	وابسته بودن بیش از حد سیاست‌گذاری‌های مرتبط با مشاغل کوچک زوده بازده به مراجع دولتی	۰/۶۳۵
موانع قانونی - نهادی	عدم دسترسی به اعتبارات دولتی به علت نداشتن وثیقه و ضامن	۰/۵۵۹
	عدم نظارت مسئولان بر نحوه استفاده روستاییان از تسهیلات بانکی ارائه شده	۰/۵۱۳

(منبع: نویسنده‌گان، ۱۳۹۵)

بر پایه اطلاعات مندرج در جدول ۳ عدم وجود پیشران‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر در بروز کارآفرینی روستایی، ۲۷/۰۳۱ درصد واریانس تبیین شده را به خود اختصاص داده و با مقدار ویژه ۷/۰۲۸ مانع اول ایجاد کسب و کار خرد روستایی بوده است. هم‌چنین نتایج نشان داد، موانع فنی - حمایتی، موانع تولیدی - بازاری رسانی جهت فروش محصولات، موانع قانونی - نهادی به ترتیب با اختصاص ۱۲/۲۲۵ و ۹/۱۳۱ و ۵/۶۵۷ درصد واریانس ویژه، مانع‌های

دوم تا چهارم توسعه کسب و کار خرد در منطقه مورد مطالعه بوده‌اند. در مجموع، چهار عامل یادشده حدود ۵۹/۴ درصد از کل تغییرات مربوط به عوامل بازدارنده پیش‌روی توسعه کسب و کارهای خرد روستایی را تبیین می‌کنند و واریانس باقی مانده مربوط به متغیرهایی است که در این تحقیق اندازه‌گیری نشده‌اند.

همان‌گونه که از داده‌های جدول فوق پیداست، بار عاملی که بیانگر همبستگی بین متغیر اصلی و عامل‌های مربوط به آن می‌باشد، در تمام عوامل این جدول بالای ۰/۴ شده که این به معنای این است که بارهای عاملی دارای معنی‌داری نسبتاً بالایی هستند. عدم وجود بستر فرهنگی برای ایجاد مشاغل کارآفرینانه در محیط روستا بیش‌ترین بارعاملی را در عامل اول به خود اختصاص داده است که این امر نشانگر اهمیت این متغیر در تبیین این دسته از موانع است. ناگفته پیداست که یکی از مشکلات عدم توسعه کسب و کارهای خرد روستایی فقدان وجود زیرساخت‌های فرهنگی مناسب در مناطق روستایی می‌باشد. به عبارتی اغلب جوامع روستایی به وضع موجود عادت کرده و فرهنگ ایجاد تغییر و ریسک‌پذیری در میان آنان بسیار پایین است. همین امر سبب شده است که سازگاری با شرایط اقتصادی نامناسب اشتغال در بخش کشاورزی در میان آنان نهادینه شود و از انگیزه بالایی جهت ایجاد کسب و کار جدید برخوردار نباشند. فقدان آموزش‌های مهارتی برای ایجاد مشاغل کوچک و زودبازده نیز مهم‌ترین مانع در میان موانع فنی- حمایتی بود. این بدان معنی است که روستاییان مهارت اندکی در ایجاد کسب و کارهای خرد داشته ولی خلاء و نیاز آموزشی آنان توسط مراجع ذی‌ربط مرتفع نمی‌شود. از طرف دیگر، یکی از عوامل شکست کسب و کار خرد، هزینه‌های اولیه بالای تولید محصولات می‌باشد که با اختصاص بار عاملی ۰/۶۷۸ مهم‌ترین مانع تولیدی- بازاریابی جهت ایجاد کسب و کار خرد روستایی می‌باشد. مراحل اداری سخت و فراوان جهت اخذ مجوز تأسیس مشاغل خرد نیز مانعی مهم در ایجاد کسب و کارها بوده به نحوی که گاهی روستاییان را از ادامه مسیر باز می‌دارد.

در ادامه پژوهش محقق به بررسی میزان تمایل روستاییان به ایجاد کسب و کار خرد پرداخت که بر اساس نتایج، ۶۶/۱۶ درصد خانوارهای روستایی از میزان تمایل کم و متوسطی جهت ایجاد کسب و کار خرد برخوردار بودند (جدول ۵).

جدول ۵- میزان تمایل به ایجاد کسب و کار خرد در میان خانوارهای روستایی

میزان تمایل	فراوانی	درصد	درصد تجمعی
کم	۳۵	۲۶/۹۲	۲۶/۹۲
متوسط	۵۱	۳۹/۲۳	۶۶/۲۲
زیاد	۴۴	۳۳/۸۴	۱۰۰
جمع کل	۱۳۰	۱۰۰	...

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵)

در ادامه محقق جهت سنجش ارتباط میان تعدادی از متغیرهای توصیفی پژوهش که دارای واحد سنجش رتبه‌ای و فاصله‌ای بودند و شاخص تمایل به ایجاد کسب و کار خرد (به صورت رتبه‌ای) از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده کرد. طبق نتایج به دست آمده از جدول (۶) بین متغیر میزان تحصیلات سرپرست خانوار و میزان تمایل به ایجاد کسب و کار خرد ارتباط مثبت و معنی‌داری برقرار است ( $r = ۰/۳۰۸$  و  $p = ۰/۰۰۰$ ). بدین معنا که با افزایش میزان

تحصیلات، میزان تمایل به ایجاد کسب و کارهای کوچک روستایی نیز افزایش می‌یافت. هم‌چنین، میان میزان تمایل به ایجاد کسب و کارهای کوچک و میزان شرکت در کلاس‌های ترویجی نیز ارتباط مثبت و معنی‌داری به دست آمد ( $r=0/19$  و  $p=0/02$ ). یعنی هرچه تعداد شرکت در کلاس‌های ترویجی در میان افراد سرپرست خانوار بیشتر بود، میزان تمایل به ایجاد کسب و کارهای کوچک افزایش می‌یافت.

جدول ۶- آزمون همبستگی میان متغیرهای مستقل با میزان تمایل به ایجاد کسب و کارهای خرد روستایی

متغیرها	ضریب همبستگی اسپیرمن (r)	سطح معنی‌داری (P)
سن	۰/۰۹	۰/۲
میزان تحصیلات	۰/۳۰۸**	۰/۰۰۰
تعداد افراد خانوار	۰/۱۱	۰/۰۹
میزان شرکت در کلاس‌های ترویجی	۰/۱۹*	۰/۰۲

(منبع: نویسندگان، ۱۳۹۵)

\*\*  $p < 0.01$  \*  $p < 0.05$

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پژوهش حاضر با هدف تبیین عوامل بازدارنده توسعه کسب و کارهای خرد روستایی در دهستان گویچه‌بل بخش مرکزی شهرستان اهر استان آذربایجان شرقی صورت گرفت. براساس یافته‌های حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی، مهم‌ترین عوامل بازدارنده توسعه کسب و کار خرد در مناطق روستایی جامعه مورد مطالعه را می‌توان در چهار عامل عدم وجود پیشران‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر در بروز کارآفرینی روستایی، موانع فنی - حمایتی، موانع تولیدی - بازاریابی جهت فروش محصولات و موانع قانونی - نهادی تبیین کرد که در مجموع ۵۹/۴ درصد واریانس کل موانع توسعه کسب و کار خرد را به خود اختصاص داده‌اند. این یافته، با نتایج پژوهش ایزدی (۱۳۹۲)، علی‌میرزایی و همکاران (۱۳۹۰)، رجیب‌پور میبدی (۱۳۸۹) همسو می‌باشد. در این میان، مهم‌ترین مانع توسعه کسب و کار خرد روستایی، عدم وجود پیشران‌های اجتماعی و فرهنگی مؤثر در بروز کارآفرینی روستایی بوده است که در آن متغیرهایی نظیر: عدم وجود بستر فرهنگی برای ایجاد مشاغل کارآفرینانه در محیط روستا، فقدان دانش مناسب در میان روستاییان و عدم آگاهی از زمینه‌ها و پتانسیل‌های موجود در میان افراد و مناطق روستایی جهت ایجاد اشتغال به ترتیب با اختصاص بار عاملی ۰/۶۳۶، ۰/۶۱۴ و ۰/۵۴۸ مهم‌ترین متغیرهای این عامل هستند. از این یافته می‌توان نتیجه گرفت که یکی از ابزارهای مهم رشد و توسعه کارآفرینی به صورت کلی و ایجاد مشاغل خرد روستایی به صورت خاص، وجود فرهنگ و بستری در اجتماع است که این موضوع را بپذیرد و از آن حمایت کند. زمینه‌های فرهنگی - اجتماعی قوی سبب تحمل بیشتر شکست و منعکس‌کننده میزانی است که جامعه روستایی از عقاید کارآفرینان و ابتکارات حمایت می‌کند. پاگز و مارکلی (۲۰۰۴). نیز وجود منابع سرمایه‌ای متنوع، فرهنگ مشوق و شبکه‌های اجتماعی کارآفرینانه را عوامل اثرگذار بر کارآفرینی و ایجاد مشاغل درآمدزا می‌دانند (یعقوبی‌فرانی و همکاران، ۱۳۹۲ به نقل از پاگز و مارکلی، ۲۰۰۴). از این رو به نظر می‌رسد، هر چه بسترهای اجتماعی و فرهنگی موجود در مناطق روستایی آمادگی بیشتری را جهت پذیرش تغییر داشته باشند، ترویج و گسترش فعالیت‌های اقتصادی که یکی از مصداق‌های پذیرش نوآوری است، از موفقیت بیشتری

برخوردار می‌باشد. به‌علاوه، از آنجا که بیشتر متغیرهای قرارگرفته در این عامل مربوط به سطح دانش و آگاهی روستاییان است، نشانگر نقش دانش و آگاهی اقتصادی در ایجاد زیرساخت‌های اجتماعی و فرهنگی است. مهم‌ترین ریشه‌های این موضوع را از دو بعد می‌توان بررسی نمود: اول آن که مردم روستا از بعد دانش اقتصادی در سطح پایینی قراردارند که رجبی‌پور میبیدی (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود از آن به‌عنوان مهم‌ترین مشکلات کسب‌وکارها و بنگاه‌های کوچک و متوسط در بسیاری از مناطق یاد می‌کند. دوم آن که، روح ریسک‌گریزی و رضایت از وضع موجود از دیرباز بر ساختار فرهنگی - اجتماعی مناطق روستایی و کشاورزی سایه گسترده است که رحیمی (۱۳۹۵) نیز از آن به‌عنوان نقطه ضعف بخش روستایی و کشاورزی کشور یاد می‌کند، بنابراین در چنین شرایطی طبیعی است که در این پژوهش، میزان تمایل به کارآفرینی نیز در منطقه مورد مطالعه متوسط به پایین به‌دست آمده‌است و با توجه به واقعیت‌های موجود به نظر می‌رسد تا از بعد اجتماعی و فرهنگی تغییراتی بنیادی در روستاهای کشور ایجاد نشود، نمی‌توان انتظار گسترش مشاغل خرد را در این مناطق داشت.

### پیشنهادات

- از آن‌جا که یکی از موانع ایجاد و توسعه کسب‌وکار خرد عدم آگاهی از زمینه‌ها و پتانسیل‌های موجود در میان افراد و مناطق روستایی می‌باشد پیشنهاد می‌شود، جهت ایجاد اشتغال شبکه مشاوره و استعدادیابی در مناطق روستایی تأسیس شود که براساس استعداد افراد و مناطق به آنان اجازه ایجاد کسب‌وکارهای خرد را بدهد.
- یکی از موانع جدی به‌منظور توسعه کسب‌وکارهای خرد روستایی، قوانین و مقررات شهری است. روابط کاری که در کشور تعیین شده‌است اکثراً متعلق به مشاغل و بنگاه‌های متوسط و بزرگ است. لذا پیشنهاد می‌شود تدوین قوانین مختص به این مشاغل مورد توجه مسئولان قرارگیرد و جهت افزایش آگاهی روستاییان از این قوانین کلاس‌های آموزشی قبل از احداث کسب‌وکارهای کوچک برگزار گردد. ضمن آن که قوانین موجود در این زمینه برای روستاییان ساده و شفاف شود.
- موانع فنی - حمایتی یکی دیگر از موانع مهم در ایجاد کسب‌وکار خرد روستایی است، لذا پیشنهاد می‌شود درجهت مرتفع‌نمودن این مشکل در جوامع روستایی راهکارهایی نظیر: دادن آموزش‌های تخصصی و مهارتی به روستاییان قبل از آغاز فعالیت اقتصادی جدید، تسهیل شرایط پرداخت تسهیلات اعتباری، تشکیل گروه‌های مردمی درجهت افزایش انسجام و انگیزه مردم نسبت به دریافت حمایت‌های مربوط به کسب‌وکارهای خرد از سازمان‌های ذی‌ربط اتخاذ گردد.
- برگزاری کارگاه‌ها و کلاس‌های فرهنگی - روانشناسی جهت تأثیر روانی بر سطح فرهنگ کارآفرینی، تقویت اعتمادبه‌نفس مردم ساکن در روستاها پیشنهاد می‌گردد.
- از آن‌جا که یکی از موانع مهم جهت ایجاد و گسترش کسب‌وکار خرد روستایی در منطقه مورد مطالعه موانع تولیدی - بازاریابی جهت فروش محصولات می‌باشد پیشنهاد می‌گردد، تمهیدات لازم جهت برطرف کردن این موانع نظیر احداث جاده و زیرساخت‌های ارتباطی مناسب در مسیر حمل و نقل محصولات روستایی، ایجاد

بازاهای فروش محصولات روستایی و آشنامودن روستاییان با روش‌های نوین بازاریابی محصولات کشاورزی اندیشیده شود.

## منابع

- امین آقایی، م. ۱۳۸۸. بررسی عوامل مؤثر بر عملکرد صنایع کوچک از دیدگاه کارشناسان توسعه روستایی. فصلنامه روستا و توسعه، ۱۱(۴): ۱۲۵-۱۴۶.
- ایزدی، ب. ۱۳۹۲. سازه‌های مؤثر بر توسعه کارآفرینی در مشاغل کوچک روستایی شیراز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دانشگاه شیراز. دانشکده کشاورزی.
- فرجادی، غ. (ترجمه). ۱۳۸۳. توسعه اقتصادی در جهان سوم. تودارو، م. مؤسسه عالی پژوهش در توسعه، انتشارات کوهسار ۵۵۸ ص.
- رجبی‌پور میبدی، ع. ۱۳۸۹. جایگاه شرکت‌های کوچک و متوسط در نظام‌های اجتماعی و اقتصادی. پایگاه الکترونیک کارآفرینی.
- رحمانیان کوشکی، م.، چیدری، م.، و عباسی، ع. ۱۳۹۳. بررسی توانمندی‌های کارآفرینانه دانشجویان مراکز آموزش علمی-کاربردی کشاورزی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: استان فارس). علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۱۱(۱): ۱۳۹۴.
- رحیمی، ع. ۱۳۹۵. روستا محور پیشرفت. معاونت علمی سازمان بسیج دانشجویی، قابل دستیابی در: <http://roshan.bso.ir/getattachment>. آخرین دسترسی: ۲۰ بهمن ۱۳۹۵.
- رضوانی، م. و نجارزاده، م. ۱۳۸۷. بررسی و تحلیل زمینه‌های کارآفرینی روستاییان در فرآیند توسعه نواحی روستایی. فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۱(۲): ۱۶۱-۱۸۲.
- علی‌میرزایی، ع.، اسدی، ع. و طهماسبی، م. ۱۳۹۰. موانع توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط کارآفرین روستایی در استان خوزستان (مطالعه موردی: صنایع تکمیلی خرما). فصلنامه توسعه کارآفرینی، ۳(۱۲): ۱۸۴-۱۶۵.
- علی‌میری، م. ۱۳۸۷. آموزش کارآفرینی: پیدایش، توسعه، گرایش‌ها و چالش‌ها، توسعه کارآفرینی، ۱(۱): ۱۶۹-۱۳۳.
- غلامی روچی، م. ن.، میرمحمدی صادقی، ج. و دهقانی، ع. ۱۳۸۴. تحلیلی بر عوامل مؤثر بر بهره‌وری کل صنایع روستایی تحت پوشش جهاد کشاورزی استان اصفهان. مجله علوم و فنون کشاورزی، ۹(۱): ۶۱-۷۱.
- فرجی سبکیار، ح.، بدری، س. ع.، سجاسی قیداری، ح.، صادق‌لو، ط. و شهدادی خواجه‌عسگر، ع. ۱۳۹۰. اولویت‌بندی توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی با استفاده از تکنیک پرومتی (مطالعه موردی: دهستان حومه بخش مرکزی

- شهرستان خدابنده استان زنجان. پژوهش های جغرافیای انسانی، ۴۳(۷۵): ۵۳-۶۸.
- کلاین، پ. ۱۳۸۰. راهنمای آسان تحلیل عاملی، ترجمه صدرالسادات، س، ج و مینایی، الف. انتشارات سمت، تهران.
- کیاکجوری، ک، رودگر نژاد، ف. و پورعیسی، م. ۱۳۹۱. ارائه مدل مفهومی از موانع مؤثر بر توسعه کارآفرینی روستایی. همایش ملی توسعه روستایی، دانشگاه گیلان، رشت. شهریور ۱۳۹۱.
- مولایی، م. ۱۳۸۲. ارزیابی عوامل مؤثر بر سودآوری و عملکرد صنایع کوچک در ایران. پایان نامه دکتری دانشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- نامجویان شیرازی، ز. ۱۳۹۳. قابلیت صندوق های اعتبارات خرد زنان روستایی در توسعه کارآفرینی و کسب و کارهای کوچک. فصلنامه کارآفرینی در کشاورزی، ۱(۳): ۶۵-۸۲.
- نوروزی، م. و حیاتی، د. ۱۳۹۴. سازه های مؤثر بر معیشت پایدار روستایی از دیدگاه کشاورزان استان کرمانشاه. علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، ۱(۱۱): ۱۳۹۴.
- یعقوبی فرانی، الف، سلیمانی، ع، موحدی، ر. و اسکندری، ف. ۱۳۹۲. تأثیر عوامل آموزشی و نهادی بر کارآفرینی زنان روستایی (مورد مطالعه: استان همدان). توسعه کارآفرینی، ۶(۲): ۱۱۵-۱۳۴.
- Azizi, B., Hosseini, F. J., Hosseini, M. and Mirdamadi, M. 2010. Factors influencing the development of entrepreneurial education in Iran's applied- scientific educational centers for agriculture. *American Journal of Agricultural and Biological Sciences*, 5 (1):77-83
- Banerjee, A., Duflo, E., Glennerster, R. and Kinnan, C. 2009. The Miracle of Microfinance? Evidence from a Randomized Evaluation, Working Paper, May, Department of Economics, Massachusetts Institute of Technology (MIT).
- Chrisman, J.J., Chua, J.H. and Sharma, P. 2003. Current trends and future directions in family business management studies: Toward a theory of the family firm. *Coleman White Paper Series*, 4: 1-63.
- Deakins, D., and Freel, M. 1998. Entrepreneurial learning and the growth process in SMEs, *The Learning Organization*, 5(3): 144-155.
- Gibosen, J., Olivia, S. 2006. The effect of infrastructure access and quality on non-farm enterprises in rural Indonesia. *Journal of World Development*, 12: 28 -36.
- Gilbert, O. B., Akwasi, A. B., Harry, S. B. 2014. Barriers to Youthful Entrepreneurship in Rural Areas of Ghana. *Global Journal of Business Research*, 8(3):109-119.
- Hinton, P. R., Brownlow, Ch., McMurray, I. and Cozens, B. 2004. SPSS Explained. RoutledgeInc, Madison Avenue, NewYork, NY 10016,270.
- Muruganatham, N. and Natarajan, G. 2015. Barriers of Entrepreneur in Rural Area.

- International Journal of Applied Research*, 1(7): 621-624.
- Naudé, W. A. 2009. Entrepreneurship, Developing Countries, and Development Economics: New Approaches and Insights .Small Business Economics (in press) DOI 10.1007/ s11187-009-9198-2.
- OECD. 2005. SME and Entrepreneurship Outlook, Organization for Economic Co-operation and Development Publishing, France, Paris.
- Oosterbeek, H., Van, P.M. and Auke, I. 2010. The Impact of Entrepreneurship Education on Entrepreneurship Skills and Motivation". *European Economic Review*, 54: 442-454.
- Salleh, M.M. 2011. Rural Entrepreneurship: Opportunities and challenges Of rural enterprises MICRO (SME)In Malaysia, *Interdisciplinary Journal Of Contemporary Research In Business*, 2(11): 573-585.
- Smallbone, D. 2007. Fostering Entrepreneurship in Rural Areas», Key Policy Issues in Entrepreneurship and SME Development, Retrieved Dec20 2010 from <http://www.oecd.org/>.
- Urbanoa, D., Toledanoa, N. and Ribeirob, D. 2010. Support Policy for the Tourism Business: A comparative case study in Spain, 30(1):119–131.

## Barriers Impeding Micro Business Development in Rural Areas (The Case of Goyje Bel Reigen, Central District of the Ahar Township)

Tahereh Maleki<sup>1</sup>, Parviz Golparvar<sup>2</sup> and Shapoor Zarifian<sup>3</sup>

Submitted: 17 April, 2017

Accepted: 16 September, 2017

### Abstract

Rural entrepreneurship that is an economic force for sustainable rural development plays a key role in the achievement of social and economic development in the society. One of the best examples of rural entrepreneurship is rural micro businesses that create jobs, generate wealth and contribute to a more equitable distribution of income. Thus, experts in the field of rural development must pay more attention to this concept. Unfortunately, there is evidence that shows that the development of rural micro businesses in our country has faced many challenges. Therefore, the purpose of this research survey is to determine the factors that impede the development of rural micro-businesses. 130 heads of household were selected using the stratified random sampling technique. The results of factor analysis showed that the following four factors, namely weakness of socio-cultural structure that affects rural entrepreneurship; technical and support barriers; manufacturing and marketing barriers; institutional and legal barriers constitute 59.4 percent of the total variance of barriers to rural micro business development. The results of this study have practical implications for entrepreneurship policy – makers and they can assist them in resolving the barriers to rural micro businesses and provide the required strategies for developing them.

**Keywords:** East Azarbaijan Province, Ahar Township, Rural Eentrepreneurship, Rural Micro Business, Rural People Employment.

---

1 - Ph.D. Student, Department of Agricultural Extension and Rural Development University of Tabriz, East Azerbaijan, Iran

2 - Ph.D. Student, Department of Agricultural Extension and Rural Development University of Tabriz, East Azerbaijan, Iran

3 - Associate Professor in Department of Agricultural Extension and Rural Development, University of Tabriz, East Azerbaijan, Iran

(\*-Corresponding author Email: Tahere.maleki@yahoo.com)

DOI: 10.22048/rdsj.2018.81627.1645